



نوشتن مثل آب خوردن!

یکی از ساده‌ترین شیوه‌های نگارش، نوشتن «یادداشت روزانه» است. در این شماره با این قالب آشنا می‌شوی. سعی کن خودت هم‌زمان این‌گونه نوشتن را تجربه کنی. اگر تا به حال به آن عادت نداشته‌ای، آن را جزو کارهای روزانه خودت قرار بده. باور کن کار سختی نیست و برعکس، بسیار لذت‌بخش است. فقط کافی است دوست داشته باشی، اراده کنی و بخواهی. قول می‌دهم می‌توانی. مثل آب خوردن است! و این شروع جاده بی‌پایان و رازآلود نویسندگی است.

چند نکته کلیدی

- یادداشت روزانه را می‌توانی روی دفتر معمولی یا سررسید (تقویم) بنویسی و یا با استفاده از رایانه و تبلت.
- شاید فکر کنی متن‌های یادداشت‌های روزانه ارزش ندارند! اما خوب است بدانی همین اطلاعات به ظاهر ساده، معمولی و روزمره، بعدها برای مثل گنج پنهان ارزش خواهند یافت.
- اغلب یادداشت‌های روزانه جنبه شخصی (خصوصی) دارند و دیگران نباید بدون اجازه تو، آن‌ها را مطالعه کنند.
- گاهی یادداشت‌های روزانه افراد معتبر و مشهور، مثل دانشمندان، سیاستمداران، هنرمندان و ... منبع جذاب و الهام‌بخشی برای درک شرایط زمانه و لایه‌های پنهانی شخصیت آنان است.

برای نوشتن یادداشت روزانه چه کار باید بکنی؟

- در پایان هر روز و یا هر وقت از شبانه‌روز که دوست داشتی، می‌توانی گوشه‌هایی از حوادث و رخدادهای زندگی همان روزت را بنویسی. می‌توانی به آرزوها، امیدها، ناامیدی‌ها، غم‌ها، شادی‌ها، خبرهای مهم، حرف‌های دوستان و نزدیکان و ... اشاره کنی.
- این کار، هم «قدرت نوشتن» تو را تقویت می‌کند و هم در سال‌های بعد، با خواندن دوباره آن‌ها، لحظه‌های لذت‌بخش و شیرینی را تجربه خواهی کرد.
- برای نوشتن یادداشت روزانه کافی است: «در پایان هر روز و یا هر زمان از شبانه‌روز، با خودت خلوت کنی و از خودت پیرسی: امروز چطور گذشت؟ چه کسانی را دیدم؟ چه صحنه و منظره‌هایی برایم جالب بود؟ امروز هوا آفتابی بود یا بارانی و مه آلود؟ با کدام دوستم خندیدم و با کدام لج کردم؟ و ... می‌بینی که برای نوشتن چقدر موضوع و سوژه (ایده) دوروبرمان وجود دارد؟

بهتر است

- برای نوشتن یادداشت روزانه بهتر است:
 - بلاای متن یادداشت روزانه، روز و تاریخ را دقیق و به‌صورت متوالی و پشت سر هم، برای هر روز بنویسی.
 - به زبان صمیمی و نثر خودمانی و بیان روشن و شفاف بنویسی.
 - کوتاه و موجز بنویسی و اگر دوست داشتی از عنصر احساس استفاده کنی.

چهارشنبه (۹ بهمن ۱۳۶۴) یادگان دو کوهه

... امشب، آسمان تاریک است و تکه‌های سیاه و پراکنده ابر در آسمان دیده می‌شود. آسمان پرستاره است. ستاره‌ها به روشنی در سینه سیاه شب می‌درخشند. «احسان» ما را منقلب کرد. چنان از جنب‌وجوش گردان‌ها می‌گفت که گویی لحظه‌ای دیگر حمله است. شاید امشب، شب حمله باشد ...

قلبم گرفته و تنها هستم. باید سعی کنم این تنهایی را دریابم. به دنبال مأمی می‌گردم. به یاد دیوان حافظ می‌افتم. این غزل می‌آید:

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز
چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز
نیازمند بلایی گر، رخ از غبار مشوی
که کیمیای مراد است خاک کوی نیاز ...

از یادداشت‌های روزانه نویسنده شهید حبیب غنی‌پور (۱۳۶۵ - ۱۳۴۳)

یادداشت روزانه یک نویسنده معلم شهید